*از ما می پرسند؟*

*آیا بعد از شکست کمونیسم در چین و شوروی و تبلیغات عظیم ضد کمونیستی رسانه ها کمونیسم همچنان شانس موفقیت دارد؟*

حمید تقوائی:کمونیسم مدل شوروی چیزی فراتر از یک سرمایه داری دولتی و برنامه ریزی شده نبود و لذا شکست آنرا نباید به پای کمونیسم نوشت. دولتها و رسانه های بورژوایی چنین تبلیغ میکنند که در شوروی سوسیالیسم و کمونیسم شکست خورد اما حتی صاحبنظران و آکادمیسنهای بورژوائی میدانند آنچه در شوروی و بلوک او فروپاشید نوعی سرمایه داری دولتی بود که تاب رقابت ومقاومت در برابر سرمایه داری بازار آزاد را نداشت. آنچه تجربه شوروی نشان داد این واقعیت بود که  سرمایه داری تحت نام کمونیسم و منهای رقابت و مکانیسم بازار آزاد قادر به ادامه حیات نیست. این نه سوسیالیسم بلکه نهایتا بن بست سرمایه داری دولتی تحت نام  سوسیالیسم بود که بلوک شوروی را به بحران کشید و نهایتا فرو پاشاند. در چین این تناقض را با پیاده کردن مدل اقتصادی نئولیبرالی (مکتب شیکاگو) و میدان دادن به مکانیسمهای بازار حل کرده اند. کمونیسم چینی حتی سرمایه داری دولتی نیست بلکه سرمایه داری بازار آزاد با شدید ترین و عریان ترین استثمار و بهره کشی از کارگران است.

طبیعی و کاملا قابل درک است که رسانه های غربی که در تمام مدت جنگ سرد از سخیفترین و شدیدترین حملات علیه آرمان سوسیالیسم و کمونیسم فروگذار نکردند شکست بلوک شوروی و یا استثمار شدید کارگران در چین را بحساب کمونیسم بنویسند. اما این خصومت بخاطر آرمانهای انسانی و برابری طلبانه ای است که همچنان با کمونیسم و سوسیالیسم تداعی میشود. تبلیغات ضد کمونیستی سرمایه داران و دولتها و رسانه های مدافع منافع آنان تنها حقانیت سوسیالیسم و کمونیسم را نشان میدهد و بس.

ضرورت و مطلوبیت کمونیسم نه از این یا آن تجربه شکست خورده، بلکه  از شرایط عینی سیاسی و اقتصادی، و تبعیضات و بیحقوقی ها و نابرابری هائی ناشی میشود که زائیده نظام سرمایه داری است و هر روز فاحش تر و شدید تر زندگی توده مردم جهان را در چنگال خود میفشارد. تبعیضات و نابرابری هائی که امروز در غارت نود درصد ثروت تولید شده بوسیله  کارگران و توده مردم زحمتکش جهان بوسیله سرمایه دارن مالتی میلیاردری که تعداشان از یک درصد جمعیت دنیا بیشتر نیست خود را نشان میدهد. کمونیسم راه رهائی مردم جهان و امروز باید گفت رهائی کره ارض، از سلطه یک درصدیهائی است که نفس زندگی و بقای بشریت و کره زمین را در معرض  نابودی قرار داده اند. اگر ده ها شوروی بیاید و برود در نیاز توده مردم به رهائی از نظام ضد انسانی سرمایه داری تغییری داده نمیشود. همین ضرورت است که امروز فضای سیاسی حتی در کشورهای محور سرمایه داری جهانی نظیر آمریکا و انگلستان را به چپ سوق داده است. ده سال بعد از فروپاشی شوروی مارکس بعنوان محبوب ترین شخصیت هزاره از سوی مردم اروپا انتخاب میشود و یک کاندید ریاست جمهوری آمریکا، کشوری که حتی سخن گفتن از سوسیالیسم یک تابو و یک نوع خودکشی سیاسی است، خود را سوسیالیست مینامید و محبوبیت کسب میکند. جهان ما، نود و نه درصد مردم دنیا و امروز حتی نفس ادامه زندگی بر روی کره زمین،  بیش از هر زمان دیگری به سوسیالیسم نیازمند است.

اما آیا این ضرورت و مطلوبیت به تحقق سوسیالیسم منجر خواهد شد؟ پاسخ به این سئوال تماما به تلاش و مبارزه کمونیستها و احزابی کمونیست کارگری نظیر حزب ما گره خورده است. شرایط امروز دنیا به یک نیروی چپ اجتماعی در غرب و در شرق شکل داده است اما متشکل و متحزب کردن این نیرو تماما به فعالیت احزابی نظیر حزب ما بستگی دارد. از نظر عینی و شرایط سیاسی و اجتماعی سیاسی امروز ضرورت و مطلوبت کمونیسم بیش از هر زمان دیگری برجسته و آشکار و به یک امر مبرم تبدیل شده است. اما امکان تحقق آن تماما به فعالیت احزاب و جنبشها و افرادی بستگی دارد که این ضرورت و مطلوبیت را نمایندگی و برای توده مردم قابل انتخاب میکنند. کمونیسم در دوران ما نه تنها یک امر مطلوب و ضروری بلکه تنها راه عملی و ممکن رهائی بشریت از منجلابی است که سرمایه داری بر دنیا حاکم کرده است.